

### یادداشت

### محللات ریشه‌های شهرند

آقای کاظمیان، شورورایار سابق که قبلا توانسته بود طی سال‌ها تلاش و تعامل با شهرداری، مردم محله‌شان را گرد هم جمع کند، برایشان فضای سبیز زیبایی به‌عنوان پاتوق عصرهای تابستان درست کند و با کمک شورایاران به مشکلات محله

برسد. می‌گوید: زمانی که ما بودیم تا ۱۱ شب دسته‌دسته جمعیتی می‌آمد و می‌رفت. محله زنده بود. اما این دوره هیئت‌امنا را از محله دیگری آورده‌اند و ما مستعمره محله پایین‌دستمان شده‌ایم. تازه به خاطر دوری راه، اغلب هیئت‌امنا به جلسه نمی‌آیند و عملا هیچ، بله، خیلی‌ها مثل کاظمیان خسته شدند و رها کردند. ولی هنوز حرفش که می‌شود آتش می‌گیرند و آه می‌کشند.... البته خاطرات محله هنوز باقی است و خانم اقدم، رئیس سابق سررای محله می‌گوید جمعی که در زمان او تحت عنوان کانون سالمندان محله شکل گرفته بود، هنوز فعال است و جلسات ادبی و تورهای گردشگری برگزار می‌کند. خانم‌ها هنوز با هم ورزش می‌کنند و سعی می‌کنند روحیه گروه سالمندان محله (با ۶۸ درصد جمعیت سالمند در محله) را سرزنده نگه دارند. اقدم معتقد است اگر چند بار اهالی یک محل به هر بهانه‌ای، مانند اجرای یک رویداد هنری یا نمایش محلی یا فیلم در سررای محله دور هم جمع شوند، آدم‌های علاقه‌مند از داخل همان جمع سر برمی‌آورند و به تدریج به جمع‌های محلی شکل خواهند داد. آری، راه و کار محلات سهیل و ممتنع است. اکنون سؤال این است: چرا نباید سعی کنیم در محللات دوباره گروه‌های محلی CBO یا سام (سازمان اجتماع‌محور) درست کنیم؟ در محله سنکلیج چند جوان پرتلاش سعی کردند و شد! مهدی گوهری می‌نویسد: کار ابتدا از «دفتر توسعه محله» آغاز شد، اما تشکیل انجمن ایده ماندگارتاری بود که با مشارکت اهالی و معتمدان محلی به خوبی پیش رفت. امروز اتاق فکر انجمن سنکلیج جلسات هفتگی دارد و کارهایی می‌کند که باعث همراهی و سرزندگی مردم است. این انجمن با دانشجویان معماری و مرمت دانشگاه ارتباط دارد که ضمن محله‌گردی در سنکلیج، به مرمت و توانمندسازی این محله قدیمی تهران نیز فکر می‌کنند. لازم به یادآوری است که ستاد سمن‌های شورای شهر نیز از این تشکل‌های کوچک محلی حمایت می‌کند. جلسات جالبی هم برای هم‌افزایی در ساختمان قدیمی خیابان خانانی می‌گذارند که من هم چندین بار رفته‌ام. محلی‌های محلی نعمت‌اند. مردم محلات مسائل مشترک بسیاری دارند و همسایه‌بودن در محلات شهر بزرگ مزیت محسوب می‌شود. از مطالبه برای کمبدهای فیزیکی و خدماتی که بگذریم، مردم محله خوب است با هم برای مواجهه با زلزله هماهنگ شوند. اما از آن جالب‌تر ایجاد فضاهای محلی برای شادی و ورزش است. در این میان، الهام مولوی‌زاده، شورویار سابق محله‌های مشکل‌دار در عدم وقت کافی و غفلت در شناخت بافت اجتماعی جمعیت هنگام تدوین ساختار و محتوای طرح نظام‌نامه محلات می‌داند. او می‌گوید: در برخی محلات بافت تجاری غالب است و نیاز بود هیئت‌امنا ترکیبی از نمایندگان اصناف باشند. برخی محلات بافت اداری یا سیاسی دارند. شاید در محلاتی دیگر ترکیبی از هیئت علمی دانشگاه‌ها یا مسئولان مراکز فرهنگی یا نظامی مؤثر باشند. در برخی محلات حضور نمایندگان اتباع و مهاجران یا نمایندگان اقلیت‌های مذهبی در شورا لازم است. صندوق‌های محلی نیز با دوره‌می و قرعه‌کشی، همیشه سرمایه اجتماعی فوق‌العاده‌ای در محلات ایجاد کرده‌اند. اگر مردم محله در سرا یا پارک محلی جمع شوند و برنامه کوچکی داشته باشند مثلا آموزش درباره گیاهان و حیوانات، نجوم، آشنیزی، مدرسه بچه‌ها و... آیا این نیازی به اجازه دارد؟ برای من مثل روز روشن است که کارهای فرهنگی برای جوانان و بازارچه یا جلسات خانم‌ها، همه مستقل از شورا و با اندک هماهنگی با سراها می‌توانند شروع باشند. شهرداری هم باید بفهمد گلایه‌ها از سر دلسوزی است و باید یک‌جایی با شهروندان به تفاهم و آشتی برسد.

### پای بر گل گذاشتن

...کسانی که تنها در محدوده خانوادگی برایشان مراسم برگزار می‌شود و بازماندگان آنان از نظر جانی و مالی متأثر و متالم شده‌اند. حفظ رتینس جمهور به منزله حفظ ایران است، همچنان که حفظ آن هشت نفر دیگر نیز به منزله حفظ ایران است. اگر

چنین اندیشیده شود، حفظ یکایک آحاد مردم ایران به منزله حفظ ایران است؛ زیرا بدون مردم ایران، ایرانی وجود نخواهد داشت و همین‌طور برعکس، بدون حفظ ایران، مردمی در آن وجود نخواهد داشت. اگر این حادثهٔ این بار ما را به حفظ مردم ایران و حفظ ایران متوجه کند، تأثیر درگذشت رئیس‌جمهور بسیار بیشتر از تأثیر زمان خدمت او خواهد بود، البته اگر ما هوشیاری داشته باشیم. از حفظ مردم گفتیم، اینک از حفظ ایران باید یاد کنیم؛ ایرانی که به دست پدیده مصرف‌گرایی فاحش و ظالمانه افتاده است.

تصور کنید که فردی لازم است از میان گلزاری عبور کند و پا بر روی برخی گل‌ها بگذارد. اگر پس از عبور به پشت سر خود نگاه کند، ردپا یا جای باقی خود را می‌بیند که بخشی از گل‌ها را لگدمال کرده است. حال اگر این فرد به جای پا گذاشتن روی گل‌ها، در مسیر حرکت، پیادی خود را به زمین بکشاند، در مشاهده عمل خود نه به اندازه جای پا، بلکه به اندازه بسیار بیشتر، گل‌های لگدمال‌شده را در مسیر حرکت خود خواهد دید. حکایت پایمال‌کردن ایران و جای پای بسیار بیشتر از حد عبور ناگزیر حکایت ردپا یا جای پای مصرف‌گرایان است. اگر مانند آن فرد به عقب نگاه کنیم، مسیری ویران از ردپای خود را می‌بینیم که مخروبه و آشفته و پایمال شده است. هر کشور برای مصرف منابع خود برای زیست انسان‌ها محدودیت‌هایی دارد که در اصطلاح علمی به آن ظرفیت زیستی می‌گویند. ظرفیت زیستی کشورمان اگر ۰٫۸ باشد، درحال‌حاضر ردپای مصرف ما که به آن ردپای اکولوژیک گفته می‌شود، ۲٫۳ است؛ یعنی ما چهار برابر ظرفیت قابل پذیرش گل‌ها را لگدمال می‌کنیم و هیچ‌کس هم به آن نمی‌اندیشد. رفتاری عامدانه و نیز نادانسته، تابع حرکت زیستی و کورکورانه در روزمرگی. آیا درگذشت رئیس‌جمهور که به‌درستی برای ایشان بزرگداشت گرفته و خواهیم گرفت، به بصیرت و بینایی ما برای حفظ مردم و حفظ ایران منجر خواهد شد؟ در دهه‌های گذشته چنین بصیرت و بینایی در حاکمیت و میان مردم با وجود همه آموزه‌های مقدس شریعت‌مان وجود نداشته است و از رئیس‌اجرائی موقت ۵روزه نیز انتظاری نمی‌رود هرچند به حد خود می‌توانند. اما پس از آن از ریاست‌جمهور آینده از مجلس آینده را انتظار باید داشته باشیم که که از یک سو به سیاست‌های پایمال‌نشدن گل‌ها روی آوردن و از سوی دیگر این‌بصیرت و آگاهی را به مردم ارائه دهند تا مردم آگاه به حفظ ایران و پایمال‌نکردن گل‌ها باشند، والا در آینده نچندان دور آنچه فردوسی از آن تفرغ داشت که «دریغ است از ایران که ویران شود» روی خواهد داد. بصیرت مردم و سیاست‌گذاری حکمرانی اعد از دولت و مجلس می‌تواند گل‌های خندان نسل آینده ایران را به مدد گل‌های پایمال‌نشده مشکوفا کند و این در حالی است که با گل‌های پایمال‌شده «این مادر بر نعمت پردرد است و پرنمقت» و اگر او بمیرد، دیگر کسان زیند و باید اولویت اول احیای آن باشد، والا آرزوی داشتن «ایران قوی» بدون تدبیر و قوت رای و جدیت و مجاهده، سفتن سنگ است با آب دیدگان.

شرق: مسافرشک است؛ ۷۵ساله و معلم بازنشسته فیزیک. می‌گوید غروب که هوا تاریک می‌شود چشم‌مانش سو ندارد و مدام اضطراب تصادف با عابران را دارد. آهسته و لرزان می‌راند و گاهی با بوق اعتراض سایر رانندگان مواجه می‌شود که عجله دارند. بلد نیست از نقشه‌های آنلاین و اپلیکیشن‌ها استفاده کند برای همین داوطلب نبوده تا راننده تاکسی‌های آنلاین شود. هرچند تصور می‌کند تاکسی‌های آنلاین شرط سنی برای استخدام دارند. می‌گوید بعضی مسافران از سن‌وسال او خجالت می‌کشند که او راننده باشد و آنها مسافری که دستوری می‌دهند به کدام کوچه و خیابان برود. تجربه دارد که یک روز شاگرد دوران مدرسه به طور اتفاقی مسافرش شده و شاگرد بدون آنکه به چشم‌های معلم نگاه کند، در اولین خیابان پیاده شده است. با این حال او ترجیح می‌دهد در این شرایط سخت اقتصادی سربار فرزندانش نباشد. سیمین ۶۷ سال دارد؛ بازنشسته شرکت آب و فاضلاب است و حالا پرستار کودک. بعد از بزرگ‌کردن چهار پسر و دختر حالا به خانه‌های مردم می‌رود تا بچه‌های آنها را نگهداری کند. می‌گوید دیگر سن‌وسال دویدن پشت سر بچه‌ها و غذا دهان آنها گذاشتن با اعصاب‌گریه‌ها و جیغ‌های آنها را ندارد اما ناچار است چون حقوق بازنشستگی کفاف زندگی و اجاره‌خانه او را نمی‌دهد. او از برخورد بعضی والدین هم ناراحت است؛ می‌گوید والدین جوان مقررات زیادی دارند و هرگونه رفتار او برای آرام‌کردن بچه‌ها می‌تواند از نظر والدین آسیب به روح و روان کودک تلقی شود یا اعتمادبه‌نفس او را زیر سؤال ببرد. سیمین می‌گوید دانش روان‌شناسی کودک ندارد و نمی‌داند تا چه حد ادعای والدین درست است، اما در مواجهه با بچه‌ها دچار اضطراب می‌شود چون نگران تلقی والدین و برخورد آنهاست. سیمین این شرایط را برای خود تحقیرآمیز می‌داند اما می‌گوید که گرانی و اجاره کمرشکن مسکن در تهران اجازه نمی‌دهد به چیز دیگری فکر کند. اکبر ۷۲ سال دارد و بازنشسته شرکت مخابرات است و حالا به عنوان آبدارچی در یک شرکت واردکننده موبایل و تلفن همراه فعالیت می‌کند. می‌گوید گاهی به دفعات مجبور است ظرف غذا و خوراکی کارمندان را در ساعات مختلف بشوید چون هرکدام برنامه شخصی برای غذاخوردن و کار خود دارند. حتی ساعت رفت‌وآمد کارمندان هم نظم چندانی ندارد و درست وقتی که خسته نظافت دستشویی‌ها را تمام کرده است، می‌بیند نفر دیگری با کفش کتیف وارد دستشویی شده و مجبور است دوباره نظافت کند. اکبر چند بار به این بی‌نظمی کارمندان اعتراض کرده است اما به او گفته‌اند «دشان سوخته است که او را استخدام کرده‌اند وگرنه پیر است و توان بدنی و جلاکی کافی برای کارهای شرکت را ندارد». این بخشی از گرفتاری بازنشستگی است که حقوق آنها کفاف مخارج سنکین دارو و درمان، اجاره‌خانه، خورد و خوراک و هزینه‌های جاری آنها را نمی‌دهد.

#### کرمی به نام صندوق‌های بازنشستگی

صندوق‌های بازنشستگی در ایران یکی از چالش‌های بزرگ اقتصاد به شمار می‌آیند. اداره ناآرام‌آمد صندوق‌های بازنشستگی نعت‌ها نگرانی‌های جدی برای آینده این صندوق‌ها و جمعیت رو به سالمندی کشور به دنبال داشته است، بلکه حالا کفاف زندگی عادی برای بازنشستگان را نمی‌دهد و بسیاری از آنها مجبور شده‌اند دوباره به بازار کار برگردند یا به گفته خودشان «سربار فرزندان خود باشند». شاخص «نسبت پشتیبانی» در صندوق‌های بازنشستگی نشان می‌دهد ۱۵ صندوق به سطح ورشکستگی



عکس بانمشگاه خیرنگران یزد

## «شرق» از مشکلات معیشتی سالمندان و بازگشت آنان به بازار کار گزارش می‌دهد

# بازنشستگی بدون بازنشستگی

رسیده‌اند و فقط دو صندوق بازنشستگی در وضعیت بهتری هستند. هرچند روند نامیدکننده‌ای را طی می‌کنند و تا خط ورشکستگی فاصله‌ای ندارند. وضعیت ۱۷ صندوق بازنشستگی فعال در کشور نشان می‌دهد این شاخص در دو صندوق وکلا و روستایی-عشایری که نسبتا جوان هستند، وضعیت بسیار مناسبی دارد، در تأمین اجتماعی روند بهتری دارد (اما مطلوب نیست) و در سایر صندوق‌ها وضعیت مطلوب نیست و عملا بدون کمک دولت و نهادهای مالک امکان ادامه حیات صندوق وجود ندارد و باید اعلام ورشکستگی کند. نسبت پشتیبانی به معنای «نسبت بیمه‌پردازان به مستمری بگیران» است. کمترین نسبت پشتیبانی برای آنکه یک سازمان بیمه‌ای به مرز ورشکستگی نرسد، عدد سه است. حالا این نسبت در صندوق‌های بازنشستگی کشور تا حدی کاهش یافته که می‌توان وضعیت کنونی اغلب صندوق‌ها را «ورشکسته» نامید. با ادامه پیری جمعیت و روند کاهش نسبت پشتیبانی، در کنار افزایش میزان بازنشستگی‌های پیش از موعد، فشار بر صندوق‌های بازنشستگی نیز بیشتر می‌شود. این شرایط سبب شده است بارها بازنشستگان اصناف مختلف در اعتراض به حقوق و وضعیت معیشت خود جلوی سازمان یا وزارتخانه‌ای جمع شوند.

#### اختلال در پرداخت مطالبات بازنشستگان کشوری

حالا برخی بازنشستگان کشوری به خبرگزاری دانشجو خبر داده‌اند که حق عائله‌مندی و اولاد بازنشستگان کشوری مربوط در اردیبهشت سال جاری پرداخت نشده و همین موضوع باعث ناراحتی و اعتراض این قشر شده است. این در حالی است که هنوز ماجرای پرداخت‌نشدن خسارات درمانی بیمه تکمیلی بازنشستگان کشوری مربوط به نیمه دوم سال ۱۴۰۲ تحت قرارداد شرکت آتیه‌سازان حافظ حل نشده است و در شرایطی که تازه پس از گذشت دو ماه از سال قرارداد جدید بیمه تکمیلی بازنشستگان این بار با بیمه ملت منعقد شده و هنوز درباره پرداختی‌های بازنشستگان در سال جدید اطلاع‌رسانی نشده. این قشر با مشکلاتی در پرداختی‌های تازه‌ای روبه‌رو شده‌اند. بر اساس این گزارش قرار بود افزایش حق عائله‌مندی و اولاد بازنشستگان بر اساس مصوبات بودجه ۱۴۰۳ تا تأخیر یک‌ماهه از اردیبهشت واریز و معوقه فروردین هم در ماه‌های آینده پرداخت شود، حالا نه‌تنها این وعده عملی نشده است، بلکه اصلا مبلغی تحت این عناوین پرداخت نشده و بازنشستگان در کمال تعجب با کاهش دریافتی مواجه شده‌اند. وضعیت معیشت و پرداختی‌ها برای بازنشستگان صندوق تأمین اجتماعی وخیم‌تر است و در بهم‌ن سال گذشته علی‌دهقان‌کیا، رئیس هیئت‌مدیره کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی تهران، به اینها گفته بود: «متأسفانه با تصمیم دولت و مجلس ممکن است تازه حقوق کف بازنشستگان و مستمری بگیران با ۹ میلیون تومان برسد. این به آن معناست که احتمالا حقوق حداقل‌بگیران حدود ۳۰ درصد افزایش خواهد یافت که رقمی بسیار اندک با توجه به نرخ تورم فعلی است؛ به‌ویژه کارگران بازنشسته‌ای که نزدیک به حداقل‌بگیر هستند اما مشمول نرخ افزایش حقوق ۲۰ درصد سایر سطوح خواهند بود. این در حالی است که باید افزایش حقوق حداقل‌بگیران و متوسط‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی و سایر صندوق‌ها را به اندازه نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی باشد که در حال حاضر رقمی بالای ۴۰ درصد است.» او در ادامه گفته است: «در شرایطی که در همین سال ۱۴۰۲ سید

معیشت خانوار شهری ۲۰ میلیون تومان بود، بازنشستگان ما شش میلیون تومان به عنوان حداقل‌بگیر دریافت کردند.» او با اشاره به برخی تبعیضات شکل‌گرفته طبقاتی در جامعه نسبت به بازنشستگان گفت: «وقتی ما می‌بینیم تعرفه‌های کادر پزشکی سازمان تأمین اجتماعی اتفاقا به صورت دقیق منطبق بر تورم واقعی ۴۶ درصد افزایش یافته و حقوق بازنشسته را می‌خواهند ۲۰ درصد زیاد کنند، بدون شک باید اعتراف کنیم که با یک تبعیض در میان اقشار مختلف در تصمیم‌گیری‌ها مواجه هستیم. این در حالی است که همان پزشک با درآمد بالایی که ۴۶ درصد افزایش تعرفه داشته، دقیقا باید به کارگر بازنشسته مستمری بگیر خدمت کند.» دهقان‌کیا با اشاره به جوایگونیودن قانون همسان‌سازی حقوق بازنشستگان تأکید کرده است: «بسیاری از بازنشستگان تأمین اجتماعی به سراغ مشاغل غیررسمی و کاذب در دوران استراحت خود رفته‌اند و بازنشستگان امروزه برای بقای خود و خانواده خویش راهی جز این ندارند که با وجود این میزان مستمری، مشاغل غیررسمی، کاذب و امثال آن را داشته باشند و بسیاری ساعت‌ها با وضعیت جسمانی نامناسب رانندگی می‌کنند. این روزها مستمری یک سوم خط فقر، بازنشستگان ما را دوشغله کرده است.»

#### گرفتاری از کجاست؟

مهم‌ترین مشکلی که نظام بیمه اجتماعی کشور از آن رنج می‌برد، پایداری منابع مالی صندوق‌های بازنشستگی است که تبدیل به یکی از مشکلات کشور شده است. «قوانین غیرمتکی بر محاسبات بیمه‌ای و تحمیل بیمه‌های یارانه‌ای (بدون تأمین منابع آن) به صندوق‌های بازنشستگی»، «استقرار نداشتن نظام چندلایه بیمه‌ای»، «تاسب‌نداشتن بین امید به زندگی و سن بازنشستگی کشور»، «روند فراینده نسبت سالمندی در کشور»، «توقع بی‌قواره در قوانین و مقررات بیمه‌ای و خدمات آنها»، «وجود تبعیض‌های درون یک صندوق و بین صندوق‌های بازنشستگی»، «سیاست‌گذاری نادرست در تشویق به اشتغال در مشاغل سخت و زیان‌آور»، «مخوش‌شدن چندجانبه‌گرایی در نظام بازنشستگی»، «ضعف در نهاد سیاست‌گذار در حوزه تأمین اجتماعی و مدیریت صندوق‌ها و سرمایه‌گذاری آنها و مداخلات سیاسی در انتصابات و حکمرانی آنها»، «نوسانات اقتصادی و پیامدهای زیان‌بار آن بر حوزه بیمه‌ای» و «نبود توان دولت در ایفای تعهدات و تأدییه بدهی‌ها به صندوق‌های بازنشستگی» از جمله مهم‌ترین دلایل بروز این وضعیت است. درعین‌حال «گسترش مشاغل غیررسمی و موقتی‌سازی قراردادهای کار»، «تاسب‌نداشتن و تعادل‌نداشتن در توزیع یارانه‌های بیمه‌ای و تعهدات بیمه‌ای بلاوجه دولت ناشی از قوانین الزام‌آور بدون توجه به توان مالی دولت و استحقاق‌سنجی» و «ضعف در استقرار بیمه اجتماعی پایه (فراگیر)» از دیگر مسائل و مشکلات حوزه بیمه‌ای است که علاوه بر تشدید بحران صندوق‌های بازنشستگی، موجب شده بخش قابل‌اعتنایی از شاغلان کشور به رغم نص صریح قانون از پوشش بیمه پایه اجتماعی محروم بمانند و درعین‌حال یارانه‌های بیمه‌ای از توزیع متوازن برخوردار نباشد. به‌جز این، تورم سنکین و ناتوانی دولت‌های مختلف در تکررقمی‌کردن نرخ تورم عمونی سبب شده است که مدام دستمز کارگران، کارمندان و بازنشسته‌ها از نرخ‌تورم عقب بیفتند و شمار بیشتری از طبقه متوسط به دامان فقر بغلند.

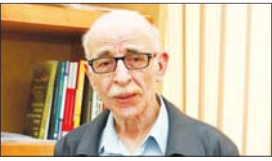
## ۴ تشکل تولیدی با ارسال نامه‌ای اعتراضی به وزیر صمت مطرح کردند

# ابهام در واگذاری نمایشگاه لوازم خانگی

نمایشگاه و همچنین مجوز برگزاری نمایشگاه را کسب کند؟ این تولیدکنندگان همچنین خطاب به وزیر صنعت، معدن و تجارت نوشته‌اند: «شرکت تجاری مذکور با سرمایه ۱۰ میلیون تومان به موضوع فعالیت خرید و فروش، واردات و صادرات، بهتر این حمل‌ونقل درون‌شهری و کالاهای بازرگانی مجوز فعالیت دریافت کرده است و در لیست شرکت‌های مجری نمایشگاهی

### گزارش

### مهدی تقوی، اقتصاددان برجسته ایرانی درگذشت در سوگ یک معلم



شرق: جامعه اقتصاددانان ایران یکی از استادان برجسته خود را از دست داد. صبح دیروز چهارشنبه نهم خرداد، دکتر مهدی تقوی، اقتصاددان ایرانی درگذشت. این استاد پیش‌کسوت اقتصاد و حسابداری مدت‌ها در بستر بیماری بود و با وجود اینکه یک چهره رسانه‌ای به‌شمار می‌آمد، در سال‌های بیماری به‌ناچار از دنیای رسانه و تدریس فاصله گرفته بود. این استاد پیش‌کسوت اقتصاد و حسابداری متولد سال ۱۳۲۴ در همدان بود. دکتر تقوی لیسانس بازرگانی خود را از مدرسه عالی بازرگانی تهران و فوق لیسانس مدیریت از دانشگاه پلی‌تکنیک کینگستون انگلیس دریافت کرد. او همچنین فوق لیسانس بازرگانی را از دانشگاه برینگام انگلیس و دکترای اقتصاد را از دانشگاه تهران دریافت کرد. این استاد گران‌قدر علم اقتصاد در تمام سال‌های زندگی کاری خود مشغول تدریس در دانشگاه و پژوهش بود. تقوی سابقه تدریس در دانشگاه الزهرا را داشت و در سال‌های پایانی عمر گران‌قدر خود در دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی تدریس می‌کرد. او همچنین عضو هیئت تحریریه فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌نامه اقتصاد ایران، عضو هیئت تحریریه فصلنامه رفاه اجتماعی، مدیرمسئول ماهنامه حسابدار، عضو هیئت تحریریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی و عضو هیئت تحریریه و سردبیر پژوهش‌نامه اقتصادی بود. تقوی همچنین صاحب ده‌ها تالیف در زمینه اقتصاد، حسابداری و علوم مالی بود. بسیاری از اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران سابقه شاگردی و همکاری با استاد و بهره‌مندی از دانش و تجربه این اقتصاددان گران‌قدر را داشتند. دکتر تقوی که از سال‌های پیش از انقلاب در دانشگاه‌ها تدریس می‌کرد، در دهه ۱۳۶۰ به‌عنوان مدیرمسئول نشریه «حسابدار» نقش مهمی در توسعه دانش مدرن حسابداری ایفا کرد. از دکتر تقوی مقالات ارزشمندی به یادگار مانده است که از آن جمله می‌توان از مقاله «تأثیر فناوری اطلاعات بر بازار سرمایه در بورس اوراق بهادار تهران»، «الگوی علمی توسعه بینه میادین نفتی، مطالعه موردی میدان نفتی آزادگان»، «بررسی تأثیر شاخص توسعه انسانی بر بهره‌وری کل عوامل تولید در ایران»، «بررسی عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌های خارجی با توجه به متغیرهای کلان اقتصادی در کشورهای اسلامی» و «الگوی مناسب بودجه‌ریزی برای افزایش بهره‌وری در نظام بودجه‌ریزی کشور مطابق استاندارد ۲۰۱۴ صندوق بین‌المللی پول» نام برد. «بررسی وضعیت فرهنگی و تأثیر آن بر رشد اقتصادی استان‌های ایران»، «تبیین مفهوم،بعاد و مؤلفه‌های تاب‌آوری اقتصادی»، «رابطه غیرخطی بین درآمد و شدت انرژی در کشورهای منتخب منا (MENA) با در نظر گرفتن نقش توسعه مالی و درجه بازبودن اقتصاد»، «بانک مرکزی و رهاوردی نوین برای برقراری ثبات مالی در اقتصاد ایران»، «تأثیر واردات کالاها، سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی بر رشد اقتصادی منطقه منا» و «رابطه فساد اداری و رشد اقتصادی در کشورهای عضو اوپک» دیگر عناوین مقالات این استاد پیش‌کسوت اقتصاد ایران است. روزنامه «شرق» درگذشت این اقتصاددان فقید را به جامعه علمی کشور، خانواده و دوستان دکتر مهدی تقوی تسلیت می‌گوید و یاد این سرمایه علمی ایران را گرامی می‌دارد.

## آگهی مناقصه عمومی

## اجرای سنگ جدول سطح شهر

**کارفرما:** سازمان عمران و بازآفرینی فضاهای شهری شهرداری یزد

**موضوع:** اجرای سنگ جدول سطح شهر

**مبلغ ضمانت نامه شرکت در مناقصه عمومی:** ۱,۶۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

**توزیع اسناد:** از تاریخ ۱۴۰۳/۳/۹ لغایت ۱۴۰۳/۳/۱۳

**محل دریافت اسناد:** سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران)

**آخرین مهلت ارائه پیشنهادها:** ساعت پایان وقت اداری روزیک شنبه مورخ ۱۴۰۳/۳/۲۷

**تاریخ گشایش پیشنهادها:** روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۳/۳/۲۹

جهت دریافت اطلاعات بیشتری تاونید با تلفن های ۰۳۵ – ۳۶۲۲۵۱۹۰ تماس بگیرید.(سازمان عمران ـ نیازمند)(ش.ا.د: ۱۲۷۵) شناسه آگهی: ۱۷۲۷۱۹۳

**روابط عمومی سازمان عمران و باز آفرینی فضاهای شهری شهرداری یزد**